

نماز جماعت، اهمیت و آثار

<?xml encoding="UTF-8">

آئین اسلام، از بعد اجتماعی مهمی برخوردار است و با عنایت به برکات آثار وحدت و تجمع و یکپارچگی، در بسیاری از برنامه هایش بر این بعد، تکیه و تاکید کرده است. برگزاری نمازهای روزانه واجب نیز به صورت جماعت و گروهی، یکی از این برنامه هاست. در اینجا به اهمیت «نماز جماعت» و آثار گوناگون آن اشاره می کنیم :

اهمیت نماز جماعت

غیر از آثار فردی و اجتماعی نماز جماعت (که به آنها اشاره خواهد شد) پاداش های عظیمی برای آن بیان شده که در اینجا به بعضی از روایات، اشاره می شود. از رسول خدا (ص) نقل شده که : «من سمع النداء فلم یجبه من غیرة فلا صلاة له» (1) نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل، در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد.

در حدیث، تحقیر نماز جماعت، به منزله تحقیر خداوند بشمار آمده است : «من حقره فانما یحقر الله» (2) شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از منافق شدن بیمه می کند. (3) و برای هر گامی که به سوی نماز جماعت و مسجد برداشته شود، ثواب و حسنه در نظر گرفته شده است. (4) همین که کسی برای شرکت در نماز جماعت از منزل خارج می شود، یا در مسجد، در انتظار نماز جماعت به سر می برد پاداش کسی را دارد که در این مدت، به نماز مشغول بوده است. (5) تعداد حاضران در نماز جماعت، هر چه بیشتر باشد، پاداش آن بیشتر است. این کلام رسول خداست که فرمود : «ما کثر فهو احب الی الله» (6) حدیث جالبی در بیان فضیلت نماز جماعت است که قسمتی از آن در رساله های عملیه هم ذکر شده است. ترجمه تمام حدیث چنین است :

اگر اقتدا کننده 1 نفر باشد، پاداش 150 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 2 نفر باشد، پاداش 600 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 3 نفر باشد، پاداش 1200 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 4 نفر باشد، پاداش 2400 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 5 نفر باشد، پاداش 4800 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 6 نفر باشد، پاداش 9600 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 7 نفر باشد، پاداش 19200 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده 8 نفر باشد، پاداش 36400 نماز داده می شود.

اگر اقتدا کنندگان و امام جماعت به 10 نفر رسیدند، پاداش 72800 نماز دارد.

ولی، همین که عدد افراد از ده نفر گذشت، حساب آنها جز خداکسی نمی داند. (7) در حدیث دیگر است : هر که

نماز جماعت را دوست بدارد، خدا و فرشتگان او را دوست می دارند. (8) در زمان پیامبر (ص) هرگاه افراد نماز

جماعت کم می شدند، آنحضرت به جستجو و تفقد از افراد می پرداخت و می فرمود : شرکت در نماز صبح و عشاء،

بر منافقان از هر چیز سنگین تر است. (9) قرآن نیز، از اوصاف منافقان، بی حالی و کسالت هنگام نماز را بیان کرده است. (10) چرا که سحر خیزی و حضور در جماعت مسلمین، آن هم از راه های دور و در گرما و سرما، نشانه صداقت در ایمان و عشق نمازگزار است.

حضور در نماز جماعت، خاص یک منطقه نیست. انسان در هر جا که باشد، خوب است به فکر نماز جماعت و حضور در آن و تشویق دیگران باشد.

رسول خدا (ص) در باره اهمیت جماعت، فرمود :

«صلاة الرجل في جماعة خير من صلاته في بيته اربعين سنة. قيل : يا رسول الله! صلاة يوم؟ فقال (ص) : صلاة واحدة» (11) یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادی در خانه است. پرسیدند : آیا یک روز نماز؟ فرمود : بلکه یک نماز.

و می فرمود : صف های نماز جماعت، همانند صف های فرشتگان در آسمان چهارم است. (12) اولین نماز جماعتی هم که بر پا شد، به امامت رسول خدا و شرکت حضرت علی (ع) و جعفر طیار (برادر حضرت علی (ع)) بود. همین که ابوطالب، فرزندش علی (ع) را دید که به پیامبر اقتدا کرده، به فرزنددوگوش جعفر گفت : تو نیز به پیامبر اکرم اقتدا کن و این جماعت دو سه نفری، پس از نزول آیه «فاصدع بما تؤمر» بود، که فرمان به علنی ساختن دعوت و تبلیغ می داد. (13)

آثار نماز جماعت

بر پایی فریضه های دینی به صورت دسته جمعی، غیر از پاداش های فراوانی که یاد شد، در زندگی فردی و اجتماعی امت مسلمان نیز، آثار مثبت و فراوانی دارد که به برخی اشاره می شود :

1- آثار معنوی

بزرگترین اثر معنوی نماز جماعت، همان پاداش های الهی است که گفته شد. روایت است که شبی، علی علیه السلام تا سحر به عبادت مشغول بود. چون صبح شد، نماز صبح را به تنهایی خواند و استراحت کرد. رسول خدا (ص) که آنحضرت را در جماعت صبح ندید، به خانه اورفت. حضرت فاطمه (ع) از شب زنده داری علی (ع) و عذر او از نیامدن به مسجد سخن گفت. پیامبر فرمود : پاداشی که بخاطر شرکت نکردن در نماز جماعت صبح، از دست علی (ع) رفت، بیش از پاداش عبادت تمام شب است. (14) رسول خدا (ص) فرموده است : لان اصلي الصبح في جماعة احب الي من ان اصلي ليلتي حتي اصبح (15) اگر نماز صبح را به جماعت بخوانم، در نظرم محبوب تر از عبادت و شب زنده داری تا صبح است. بخاطر همین فضیلت و پاداش هاست که اگر تعداد نمازگزاران از ده نفر بیشتر شود، اگر تمام آسمان ها کاغذ، و دریاها مرکب و درخت ها قلم شود و فرشتگان بنویسند، پاداش یک رکعت آنرا نمی توانند بنویسند. (16). و نماز جماعت با تاخیر، بهتر از نماز فرادی در اول وقت است. (17)

2- آثار اجتماعی

نماز جماعت، مقدمه وحدت صفوف و نزدیکی دلها و تقویت کننده روح اخوت است. نوعی حضور و غیاب بی تشریفات، و بهترین راه شناسایی افراد است.

نماز جماعت، بهترین، بیشترین، پاکترین و کم خرج ترین اجتماعات دنیاست و نوعی دید و بازدید مجانی و آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمین است.

3- آثار سیاسی

نماز جماعت، نشان دهنده قدرت مسلمین و الفت دلها و انسجام صفوف است. تفرقه ها را می زداید، بیم در دل دشمنان می افکند، منافقان را مایوس می سازد، خار چشم بدخواهان است. نماز جماعت، نمایش حضور در صحنه و پیوند «امام» و «امت» است.

4- آثار اخلاقی، تربیتی

در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می گیرند و امتیازات موهوم صنفی، نژادی، زبانی، مالی و... کنار می رود و صفا و صمیمیت و نوع دوستی در دلها زنده می شود و مؤمنان، با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دلگرمی و قدرت و امید می کنند.

نماز جماعت، عامل نظم و انضباط، صف بندی و وقت شناسی است.

روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه گیری را از بین می برد و نوعی مبارزه با غرور و خودخواهی را در بر دارد. نماز جماعت، «وحدت» در گفتار، جهت، هدف و امام را می آموزد و از آنجا که باید پرهیزکارترین و لایق ترین اشخاص، به امامت نمازبایستند، نوعی آموزش و الهام دهنده علم و تقوا و عدالت است. نماز جماعت، کینه ها و کدورت ها و سوء ظن ها را از میان می برد و سطح دانش و عبودیت و خضوع را در جامعه اهل نماز، افزایش می دهد.

به خاطر اینهمه آثار است که به نماز جماعت، آنهمه توصیه شده است. حتی نابینایی وقتی از حضور پیامبر، اجازه خواست که به مسجد نیاید، آنحضرت فرمود: از خانه تا مسجد، ریسمانی ببندد و به کمک آن، خود را به نماز جماعت برساند. (18) و نیز، نابینایی که اجازه ترک شرکت در نماز خواستند، رسول خدا (ص) اجازه نفرمود. (19) از طرف دیگر، برخورد شدید نسبت به کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی دهند، نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است.

در حدیث است که به چنان کسان، همسر ندهید (20) و معرف آنان نشوید. (21)

امام جماعت

در نماز جماعت، آنکه جلو می ایستد و مردم به او اقتدا می کنند، «امام» نام دارد. بعضی نیز به او «پیشوا» می گویند. در نظام اجتماعی سیاسی اسلام، آنکه پیشوایی جمعی را به عهده دارد، باید از یک سری فضیلت ها و برتری ها برخوردار باشد، تا فضایل او، الهام بخش دیگران نیز باشد. در نماز جماعت نیز، پیشنماز، باید در علم و عمل و تقوا و عدالت، برتر از دیگران باشد.

در حدیث می خوانیم: «فقدموا افضلکم» (22) و «فقدموا خیارکم» (23) یعنی با فضیلت ترین و بهترین خودتان را جلو بیندازید و به او اقتدا کنید.

احادیث، در این باره، بسیار است. به چند نمونه اشاره می کنیم:

امام جماعت، باید کسی باشد که مردم به ایمان و تعهد او اطمینان داشته باشند. (24) امام صادق (ع) فرمود : امام جماعت، رهبری است که شما را به سوی خدا می برد، پس بنگرید که به چه کس اقتدا می کنید. (25) ابوذر فرمود : امام شما، در قیامت، شفیع شماست. پس شفیع خودتان را از افراد سفیه و فاسق قرار ندهید. (26) اقتدا کردن به افراد ناشناخته و آنان که در دین یا امامت، غلومی کنند، نهی شده است. (27) افرادی که در جامعه، بخاطر گناه علنی، شلاق خورده اند، یا از طریق نامشروع، بدنیا آمده اند، حق امام جماعت شدن ندارند. (28) امام جماعت، باید مورد قبول مردم باشد، و گرنه آن نماز، مورد قبول درگاه خداوند نیست. (29) امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه (خذوا زینتکم عند کل مسجد) (30) هنگام رفتن به مسجد، ینت خود را همراه داشته باشید)

فرمود : زینت مسجد، پیشوای شایسته و امام جماعت مسجد است. (31) البته پوشیدن لباس پاک و داشتن وقار و عطر زدن و. . . نیز درروایاتی به عنوان «زینت مسجد» آمده است. امام باقر (ع) فرمود : امام جماعت باید از افراد اندیشمند و صاحب فکر باشد. (32) رسول خدا (ص) فرمود : کسی که پشت سر امام عالم نماز بخواند، گویا پشت سر من و حضرت ابراهیم، نماز خوانده است. (33) امام جماعت، باید مراعات ضعیف ترین افراد را بکند و نماز را طول ندهد. (34) از مجموع این احادیث، موقعیت حساس امامت جماعت شناخته می شود.

انتخاب امام جماعت

از آنجا که در امام جماعت، برتری و فضیلت بر دیگران شرط است، اگر در موقعیتی، چند نفر شایستگی آنرا داشتند که به آنان اقتدا شود، باز هم اوصاف و شرایطی به عنوان اولویت در روایات مطرح است که آموزنده است و گرایش به ارزشها و انتخاب بهتر را می آموزد. از جمله :

- 1- کسی که قرائت نمازش بهتر باشد(اقرئهم)
 - 2- کسی که در هجرت، پیشقدم باشد(اقدمهم هجرة)
 - 3- کسی که دین شناس تر و در مراتب علمی برتر باشد (اعلمهم بالسنة و افقههم في الدين)
 - 4- کسی که سن بیشتری داشته باشد(فاکبرهم سنا)
 - 5- کسی که انس او با قرآن بیشتر باشد.
 - 6- کسی که زیباتر و خوشروتر باشد. (35)
 - 7- صاحب منزل، از مهمان در امام جماعت شدن مقدم است.
 - 8- امام جماعت دائمی، بر افراد تازه وارد به مسجد، مقدم است.
- در میان امتیازات، به مسئله «عالم بودن» بیش از هر چیزی تکیه شده است. این دانایی و اعلمیت، در همه مواردی که نوعی رهبری و پیشوایی در کار است، شرط و امتیاز است.
- در حدیث است :

«من صلی بقوم و فیه من هو اعلم منه لم یزل امرهم الی السفال الی یوم القیامة» (36) کسی که امامت نماز و پیشوایی گروهی را به عهده بگیرد، در حالیکه میان آنان، دانایتر از او هم باشد، وضع آن جامعه تا قیامت، همواره رو به سقوط و پستی است.

البته همچنانکه در حدیثی گذشت، امام جماعت باید مورد پذیرش و قبول مردم باشد. این مقبولیت، از راه علم و

پاکی و عدالت و تواضع و اخلاق نیکو بدست می آید.

نباید غفلت داشت که گاهی دشمنان و اهل نفاق، برای ضربه زدن به اسلام و روحانیت، امام جماعتی را با شایعه و تهمت و دروغ، بدنام می کنند تا او را به انزوا بکشند. هشیاری مردم، خنثی کننده این نقشه شیطانی است. پشت سر کسی نباید به جماعت ایستاد که با فسق و گناه و بدرفتاری، مقبولیت خود را از دست داده است، نه آنکه دستهای مرموز دشمن، او را از نظرها انداخته باشد! . .

عدالت در امام جماعت

از شرایط امام جماعت، عادل بودن است.

عدالت را در کتب فقهی تعریف کرده اند. فقهای گرانقدر، از جمله حضرت امام خمینی (قدس سره) می فرمایند : عدالت، یک حالت درونی است که انسان را از ارتکاب گناهان کبیره، و تکرار و اصرار نسبت به گناهان صغیره باز دارد. (37) پاکی، تقوا، دوری از گناه، از نشانه های عدالت است. بنا به اهمیت این صفت، در نظام اسلامی یکی از امتیازات به حساب آمده و در فقه اسلامی و قانونی اساسی، داشتن آن برای مسئولان بلند پایه و مشاغل حساس، شرط است و کارهای مهم کشور و امور مردم، باید بدست افراد عادل انجام گیرد.

به برخی از این موارد که عدالت شرط است، توجه کنید :

در مسائل عبادی، امام جماعت باید عادل باشد.

در مسائل سیاسی عبادی، مثل نماز جمعه، خطیب و امام جمعه باید عادل باشد.

در مسائل سیاسی و حقوقی، (همچون نمایندگی مجلس و تصویب قوانین) نظر فقهای عادل بنام «شورای نگهبان» معتبر است.

در مسائل حقوقی، گرفتن و دادن هر حق به صاحبش، باید با گواهی افراد عادل باشد.

در مسائل تربیتی، اجرای حدود اسلامی و تادیب ظالم و خلافکار، وقتی است که افراد عادل، به خلاف و گناه او شهادت دهند.

در مسائل اقتصادی، بیت المال باید دست افراد عادل باشد.

در مسائل اجتماعی و فرهنگی، پخش و نشر خبرها، باید دست افراد عادل باشد و به خبر افراد فاسق، اعتماد نمی توان کرد، مگر پس از تحقیق و تفحص.

در مسائل نظامی، فرمانده کل قوا، با رهبری است، که عدالت شرط آنست.

پس عدالت، از ارکان مهم در نظام حکومتی اسلام و واگذاری مسئولیت های اجتماعی و تنظیم امور زندگی است.

راه شناخت عدالت

گرچه برخورداری از عدالت، و داشتن ملکه ترک گناه، از اموردرونی افراد است، ولی با علائم و نشانه هایی که در زندگی و عمل افراد بروز می کند، می توان به بود و نبود آن در افراد، پی برد. در روایات، برخی از این علائم به چشم می خورد و بعضی ملاک ها بیان شده که باوجود آنها، می توان کسی را عادل شمرد.

از امام صادق (ع) پرسیدند : عادل کیست؟

فرمود :

«إذا غُضَّ طرفه من المحارم و لسانه عن المأثم و كفه عن المظالم» (38) کسی که چشمش را از نامحرم، زبانش

را از گناه، و دستش را از ظلم حفظ کند :

پیامبر خدا (ص) نیز در حدیثی انسان جوانمرد و عادل را چنین معرفی می کند :

«من عامل الناس فلم یظلمهم و حدثهم فلم یكذبهم و وعدهم فلم یخلفهم فهو ممن کملت مروته و ظهرت عدالته. . . » (39) کسی که با مردم، در معاملات، ستم نکند و در سخن، دروغ نگوید و در وعده هایش تخلف نکند، او از کسانی است که مروتش کامل و عدالتش آشکار است.

از امام صادق (ع) سؤال شد : عدالت انسان را از کجا بشناسیم؟

فرمود : همین که کسی اهل حیا و عفت باشد و در خوراک و گفتار و شهوت، خود را به گناه نیالاید، و از گناهان بزرگی مثل زنا، ربا، شراب، فرار از جنگ، . . . (که مورد تهدید قرآن است) بپرهیزد، و جز در مواردی که عذر دارد، از شرکت در جماعت مسلمین دوری نکند، چنین انسانی عادل است و تفتیش از عیوب او و غیبت او بر مردم حرام است. . . (40) در روایات دیگری می خوانیم :

به آنکس که نمازهای پنجگانه را به جماعت بخواند، خوشبین باشید و گواهی او را بپذیرید. (41) شاید آنچه را که فقهاء، به عنوان «حسن ظاهری» در عدالت بیان می کنند، همین باشد که با حضورش در مراسم و جماعت مسلمین و نبودنش در مراکز فساد و گناه، مایه اعتماد مردم شود و او را از این طریق، انسان عادل و درست کاری بشناسند.

امام باقر (ع) در مورد عدالت زنان می فرماید :

همین که اهل حجاب و از خانواده های محترم بود و از شوهر خویش اطاعت می کرد و از کارهای ناپسند و جلوه گری های ناروا پرهیز داشت، عادل است. (42) در بعضی روایات، «فاسق» را کسانی می داند که به خاطر گناهان زشت علنی، در جامعه شلاق خورده، یا میان مردم مشهور به خلاف و بدکاری یا مورد سوءظن باشند. (43) البته معنای عدالت در یک نفر، آن نیست که در طول عمر، مرتکب گناهی نشده باشد، چرا که این ویژگی، تنها در انبیاء و اولیاء معصوم است، ولی همین که ما، در ظاهر، از او گناه بزرگی ندیده باشیم، کافی است.

این نیز ناگفته نماند که : اگر کسی خود را عادل نمی داند، و حتی به مردم بگوید که من عادل نیستم، اما مردم او را عادل و با تقوا بشناسند، می تواند امام جماعت شود و مردم نیز می توانند به او اقتدا کنند و اگر مردم، مایل به اقتدا باشند، نباید سرپیچی کند. (44) و حتی اگر پس از نماز جماعت، معلوم شود که امام جماعت، عادل نبوده، نمازهایی را که پشت سر او خوانده اند صحیح است و اعاده لازم نیست. (45)

چرا بعضی به جماعت نمی روند؟

با همه پاداشها و آثاری که برای نماز جماعت وجود دارد، برخی از این فیض بزرگ محرومند و با تاسف، شاهدیم که بسیاری، به آن بی اعتنا و کم رغبت اند و حتی در همسایگی مسجد به سر می برند، ولی در جماعت مسلمین حاضر نمی شوند و مسجدها، گاهی به صورت ناراحت کننده و دردآوری خلوت است. علت شرکت نکردن افراد در نمازهای جماعت، گوناگون است.

بعضی واقعا عذر دارند و دلیلشان پذیرفتنی است، ولی در بسیاری موارد، بهانه هایی پوچ، بیشتر نیست. مروری به اینگونه دلایل و بهانه هами کنیم :

بعضی، از پاداشهای نماز جماعت، غافلند.

برخی، از بد رفتاری برخی نمازگزاران در مسجد، به نماز جماعت بی رغبت می شوند.

بعضي، تنها بد اخلاقي امام جماعت را، بهانه عدم شرکت خود قرارمي دهند و آنرا منافي با عدالت او به حساب مي آورند.

بعضي، بخاطر همفکر نبودن امام جماعت، با دیدگاههاي سياسي آنان نسبت به موضوعات و اشخاص و . . . از شرکت در جماعت، دوري مي کنند.

بعضي، بخاطر مشغوليت هاي اقتصادي و اجتماعي و گرفتاري هاي روزمره، از پاداشهاي عظيم نماز جماعت محروم مي شوند.

بعضي، از برخورد سرد افراد مسجد، دلسرد مي شوند و ديگر نمي روند.

بعضي، عيب هاي بستگان و نزديکان امام جماعت را به حساب اومي گذارند و او را قبول ندارند.

بعضي، شرکت خود را در نماز جماعتي را، مایه تقويت و بزرگ شدن پيشنماز در جامعه مي دانند و از آن پرهيز دارند، بي آنکه دليلي روشن بر بיעدالتي امام جماعت داشته باشند.

بعضي، از روي غرور، حاضر نيستند در نماز جماعت يک امام جوان يا فقيرزاده، اما پاک و متعهد و لايق، شرکت کنند.

برخي هم، تن پرور و تنبل اند و در عبادات، بي حوصله و کسل اند و نماز جماعت را، بجاي آنکه کار بدانند، بار مي دانند و به سختي حاضرند دست از کارهاي ديگر بکشند و به جمع مسلمانان در نماز پيوشندند.

بعضي نيز، از طول کشيدن نماز جماعت، از مسجد مي گريزند.

بعضي نيز، از متولي يا دست اندرکاران مسجد، خوششان نمي آيد، از اين رو به نماز جماعت نمي آيند.

اينها گوشه اي از علل سרدي برخي نسبت به حضور در نماز جماعت بود.

همانطور که ديديد، بيشتر اينها، بهانه هايي غير قابل اعتناست. اگر آگاهي و رشد ديني مردم به حدي برسد که عوامل ياد شده را کنار بگذارند، و با خلوص و همدلي، در صفوفي منظم کنار هم بنشينند، به پاداش هاي عظيم جماعت، توجه داشته باشند، بدخلفي پيشنماز را، مغاير با عدالت او ندانند، گناه بستگان او را به حساب او نگذارند، و . . . به برکات و آثار مثبت فراوان اين «گردهمايي ديني»

بينديشند، خواهيم ديد که مساجد، رونق بيشتري خواهد يافت و خلوتي نمازهاي جماعت، از ميان خواهد رفت. البته، صلاحيت هاي علمي و اخلاقي پيشنماز، و محيط گرم و آموزنده بودن مساجد، و برخورد شايسته و احترام آميز با شرکت کنندگان در نماز، به خصوص با جوانان و نوجوانان، مي تواند سهم عمده اي در جذب آنان به مسجد، اين کانون وحدت و معنويت داشته باشد.

سهم مسئولان فرهنگي، تبليغي و تربيتي کشور نيز در اين زمينه، مهم است.

اگر مربيان محترم و معلمان و پدران و مادران، خود در جماعت ها شرکت کنند و در برابر شاگردان و فرزندان به نماز بايستند، يا به مساجد بروند، الهام بخش ديگران نيز خواهد بود.

اگر مدارس، در کنار مساجد ساخته شود، براي حضور دانش آموزان در نمازهاي جماعت، تسهيلي به حساب مي آيد.

پي نوشت ها :

- 2- من لا يحضره الفقيه، ج 1 ص 377.
- 3- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 488.
- 4- كنز العمال، ج 8 حديث 22815 از پیامبر اسلام (ص) .
- 5- كنزالعمال، ج 8 حديث 22818 و 22827.
- 6- كنزالعمال، ج 8 ص 258.
- 7- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 487، رساله حضرت امام، مسئله 1400.
- 8- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 488.
- 9- كنزالعمال، ج 8 ص 256.
- 10- و اذا قاموا الي الصلوة قاموا كسالي(نساء، آيه 142).
- 11- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 488.
- 12- همان مدرک.
- 13- همان مدرک، ص 689، وسائل، ج 5 ص 373.
- 14- سفينة البحار، ج 1، جماعت.
- 15- كنز العمال، ج 8 حديث 22792.
- 16- توضيح المسائل امام(قدس سره)مسئله 1400.
- 17- توضيح المسائل امام(قدس سره)مسئله 1402.
- 18- وسائل، ج 5 ص 377.
- 19- كنزالعمال، ج 8 ص 255.
- 20- و21- سفينة البحار، ج 1، جماعت.
- 22- و23- من لا يحضره، ج 1 ص 377.
- 24- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 490.
- 25- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 491، وسائل، ج 5 ص 416.
- 26- وافي، ج 2 ص 177.
- 27- و28- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 491.
- 29- وسائل ج 5 ص 417 و مستدرک، ج 1 ص 492.
- 30- اعراف، آيه 31.
- 31- نورالثقلين، ج 2 ص 19.
- 32- و33- مستدرک الوسائل، ج 1 ص 492.
- 34- من لا يحضر، ج 1 ص 381.
- 35- وافي، ج 1 ص 177، مستدرک الوسائل، ج 1 ص 492 و 493، وسائل، ج 4 ص 419.
- 36- من لا يحضر، ج 1 ص 378.
- 37- تحرير الوسيله، ج 1، بحث امام جماعت.
- 38- بحار، ج 75 ص 248.
- 39- بحار، ج 67 ص 1-

- 40- استبصار، ج 3 ص 12.
- 41- وسائل، ج 18 ص 291.
- 42- استبصار، ج 3 ص 13.
- 43- وسائل، ج 18 ص 295.
- 44- جواهر، ج 13 ص 277، تحریر الوسيله، ج 1، شرایط امام جماعت.
- 45- تحریرالوسيله، شرایط امام جماعت.

***** برگرفته شده از کتاب پرتویی از اسرار نماز